

تحریم‌های اقتصادی و نقض حق بر آموزش^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۰۴

تاریخ تأیید: ۹۲/۰۷/۰۱

محمد حبیبی مجنده^۲

استادیار گروه حقوق دانشگاه مفید

مهدی عبدالمالکی^۳

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل

سیده زهرا موسوی انزهایی^۴

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

چکیده

تحریم‌های اقتصادی اعم از یک‌جانبه یا مطابق با فصل هفتم منشور ملل متحد ابزاری قدرتمند برای واداشتن یک دولت به انجام تعهدات بین‌المللی‌اش تلقی می‌گردد. تحریم‌ها خواه ناخواه آثاری بر جمعیت کشور هدف خواهند داشت آثاری که ابعاد منفی آن، گاه چنان عمیق است که تا سال‌ها قابل مشاهده است. حق بر آموزش نیز به عنوان حقی توانمندساز، از اثرات زیان‌بار تحریم‌های اقتصادی مصون نمانده است. این حق به واسطه ارتباط با سایر حقوق بشر از جمله حق بر غذا، حق بر آب، حق بر حداقل استانداردهای زندگی و ... در معرض نقض مستقیم و غیرمستقیم قرار دارد. این حق از حقوق غیرقابل انحراف تلقی می‌شود که حتی شورای امنیت نیز برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد اما، شورا در قطعنامه ۱۷۳۷ علیه برنامه هسته‌ای ایران در بند ۱۷ مستقیماً حق بر آموزش اتباع ایرانی را نقض نموده است.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی، حق بر آموزش، شورای امنیت

مقدمه

حق بر آموزش یک حق مسلم بشری و یکی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر گردیده است. این حق و سایر حقوق بشر در سال‌های اخیر در سایه اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و نیز تحریم‌های موضوع فصل هفتم منشور ملل متحد با چالش جدی مواجه شده‌اند. الزام کشورها به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور و نیز اعمال برخی تحریم‌های یک‌جانبه از سوی برخی کشورها علیه برخی کشورهای دیگر از یک طرف و تعهدات حقوق بشری آن‌ها که در منشور ملل متحد و یا معاهدات حقوق بشری دیگر منعکس گردیده از طرف دیگر، نمودار تعارضی است که این نوشتار در پی پاسخ به آن می‌باشد.

۱. بدین وسیله مراتب تشکر و سپاس خود را از راهنمایی‌های ارزشمند جناب آقای دکتر میرمحمدی استادیار محترم دانشگاه مفید در نگارش این مقاله اعلام می‌دارد.

2. Email: mhabibiim@gmail.com

3. Email: mabdulmaleki@gmail.com

4. Email: z_mousavi_m@yahoo.com

نویسنده مسئول

تحریم‌ها اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند که مهم‌ترین هدف آن‌ها واداشتن کشور هدف برای تغییر مواضع خویش است، اما تحریم اعم از یک‌جانبه یا چندجانبه تبعاً آثاری بر مردم و جمعیت کشور هدف دارد که می‌توان ادعا نمود آثار سوء آن بر حقوق بشر و بالاخص حق بر آموزش با روح منشور در تضاد است. همین امر باعث طرح این موضوع در سازمان‌های بین‌المللی و محافل حقوق بشری و حتی در شورای امنیت گردیده که تا حد امکان از آثار منفی تحریم‌ها بر جمعیت و حقوق بشر آن‌ها کاسته شود. چنانکه کمیته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفسیر کلی شماره ۸ را به بررسی تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر حقوق مندرج میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص داده است. اگر چه کمیته به نحو زیرکانه‌ای از اظهار نظر در خصوص تحریم‌های موضوع فصل هفتم منشور خودداری نموده؛ (General Comment No. 8, 1997: Para1) اما این عدم اظهار نظر صریح مانع از آن نشد تا در بین حقوقدانان اثر تحریم‌ها بر حقوق بشر مورد بررسی قرار نگیرد.

آثار تحریم‌های بین‌المللی بر بهره‌مندی از حقوق بشر از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است، اما به طور مشخص تأثیر آنها بر حق بر آموزش و دسترسی به دستاوردهای علمی موضوعی است که شاید بتوان مدعی شد از زمان تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران و منع کشورها از پذیرش دانشجویان ایرانی متقاضی تحصیل در رشته‌های مرتبط با مباحث هسته‌ای آغاز گردید. اگر چه تاکنون گزارشی در خصوص عدم پذیرش چنین دانشجویانی در سایر کشورها به جز کشور هلند با استناد به این قطعنامه منتشر نشده است اما الزام کشورها به رعایت مفاد قطعنامه دستاویز مناسبی برای ادعای تعارض اجرای این قطعنامه با تعهدات حقوق بشری کشورهاست. این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که تحریم‌های اقتصادی چه تأثیری می‌تواند بر برخورداری افراد از حق بر آموزش داشته باشد و آثار سوء این تحریم‌ها بر این حق چگونه با تعهدات کشورها در زمینه حمایت و ارتقاء حقوق بشر قابل انطباق و سازش است؟

۱- مفهوم حق بر آموزش و تحریم اقتصادی

۱-۱- حق بر آموزش

حیثیت ذاتی و کرامت انسانی اگر چه برخی معتقدند «هنوز هم مفهومی مبهم و دارای ابهام است» (Marshall, 2009: 24)؛ اما مقدمه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آن را به عنوان شأن ارزشمندی که مورد حمایت حقوق بشر می‌باشد (Ibid. 24) مبنای این حقوق می‌داند. بر این اساس حق بر آموزش به عنوان حقی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از نیازهای بنیادین انسان است. بنابراین «مهم‌ترین مبنای فلسفی حق بر آموزش حیثیت ذاتی انسان‌هاست»؛ (Dieter Beiter, 2006: 1) این حق به عنوان یک حق «توانمندساز»^۱ زمینه برخورداری فرد از توانایی‌ها و استعدادهايش را فراهم خواهد نمود تا از آن طریق بتواند از سایر حقوق و تکالیف خود بهره‌مند گردد. (Rajendra Prasad, 2005: 8); (Ibid. 17)

1. Empowerment

این نشان از ارتباط مستقیم آموزش با حیثیت و کرامت انسانی افراد است (Ibid. 8).
حق بر آموزش، حقی چند وجهی است.^۱ این حق «به عنوان یک حق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طبقه‌بندی شده است ... همچنین حق بر آموزش به دلایل مختلف، هم یک حق مدنی و هم یک حق سیاسی است زیرا این حق مرکز ثقل تحقق کامل و مؤثر آن حقوق می‌باشد. از این جهت حق بر آموزش بر غیرقابل تقسیم بودن و وابستگی همه حقوق بشر تمرکز می‌کند» (General Comment No. 11, 1999: Para2).

۱-۱-۱- تعریف حق بر آموزش

بر اساس ماده ۱ توصیه‌نامه یونسکو در خصوص آموزش برای مفاهمه، همکاری و صلح بین‌المللی و آموزش در ارتباط با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، آموزش «تمامی فرآیندهای زندگی اجتماعی است که افراد و گروه‌های اجتماعی برای پرورش آگاهانه به منظور بهره‌مندی از همه توانایی‌ها، استعدادها، گرایش‌ها و دانش شخصی یاد می‌گیرند» (Dieter Beiter, 2006: 18)^۲ بر مبنای این تعریف حق بر آموزش به عنوان یک حق توانمندساز توانایی فرد را شکوفا خواهد کرد به گونه‌ای که بتواند از استعدادهایش بهره کافی را ببرد (Coomans, 1995: 1-2).

ماده ۱ بند ۲ کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش ۱۹۶۰ «همه اشکال و سطوح آموزش از جمله دسترسی به آموزش، استاندارد و کیفیت آموزشی و شرایطی که آموزش ارائه می‌شود» را جزء حق بر آموزش می‌داند.

مفهوم حق بر آموزش حداقلی نیز آن است که همه افراد اعم از کودک، نوجوان و بزرگسال حق دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر که بتواند حداقل نیازهای آن‌ها را فراهم نماید را داشته باشند. در این معنا حق بر آموزش شامل «بهره‌مندی از آموزش در سیستم آموزش ملی، استانی و محلی اعم از عمومی و خصوصی که اسناد بین‌المللی عموماً آموزش را در این معنا به کار می‌برند» (Dieter Beiter, 2006: 17) & (Verheyde, 2005: 24-26)^۳ می‌گردد.

۱-۱-۲- حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی

منشور ملل متحد صریحاً حق بر آموزش را تعریف نمی‌کند اما با اشاره به مشکلات بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلویحاً آن را مد نظر قرار می‌دهد. دیگر آنکه بهبود حقوق بشر برای همه بدون تبعیض که در منشور مورد تأکید قرار گرفته است راه را برای توسعه آینده ماهیت غیر تبعیض‌آمیز حق بر آموزش آماده می‌نماید (Ibid. 37)^۴

1. Multi Facet

۲. همچنین، ر. ک:

Recommendation concerning education for international understanding, co-operation and peace and education relating to human rights and fundamental freedoms, 19 November 1974, UNESCO, and art 1(a).

3. E/CN. 4/sub. 2/1999/10, The Realization of the Right to Education, Including Education in Human Rights, the Content of the Right to Education, Working Paper Presented By Mr. Mustapha Mehedi, Para 59.

۴. همچنین، ر. ک: مواد مواد ۵۵، ۵۷ و ۵۹ منشور ملل متحد

مقدمه اساسنامه یونسکو آموزش را رکن اصلی و ضروری برنامه‌های این سازمان برای ارتقاء عدالت، آزادی و صلح برای کرامت انسان می‌داند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نخستین سند بین‌المللی است که حق بر آموزش را به عنوان یک حق بشری به رسمیت شناخته است. اعلامیه در ماده ۲۶ بدون ارائه تعریف حق بر آموزش، محتوا و عناصر این حق از جمله رایگان و اجباری بودن را تشریح نموده است.^۱

مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه تبیین حق بر آموزش میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. می‌توان گفت ماده ۱۳ این میثاق^۲، مهم‌ترین قاعده‌سازی حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی است. (Dieter Beiter: 94) این ماده که دارای متن نسبتاً مفصلی است همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، کلیه سطوح و اشکال آموزش اعم از آموزش ابتدایی و عالی را بیان می‌کند. «کشورهای عضو میثاق مذکور بر این ایده توافق داشته‌اند که آموزش و پرورش باید به گونه‌ای باشد که افراد را قادر به مشارکت آزادانه در جامعه انسانی، رشد و تعالی فهم و تعقل انسانی، تساهل و دوستی بین همه ملت‌ها و گروه‌های نژادی، قومی و یا مذهبی ساخته و البته هم جهت با فعالیت‌های سازمان ملل متحد در حفظ صلح باشد» (سید فاطمی، ۱۳۸۸: ۳۰۷).

بر اساس ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک نیز دولت‌های عضو، حق کودکان را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی به این حق تدریجاً و بر پایه فرصت‌های برابر خواهند کوشید.

هدف کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش ۱۹۶۰ نیز حذف تبعیض در آموزش و بهبود شکل و رفتار در آموزش می‌باشد. بر اساس ماده ۴ کنوانسیون مذکور دولت‌های طرف این قرارداد علاوه بر این تعهد می‌کنند سیاست ملی را اتخاذ و اجرا نمایند که هدف آن ایجاد فرصت و امکان مساوی در امر آموزش و اتخاذ رفتاری مساوی در این مورد نسبت به افراد از طریق اعمال روش‌هایی منطبق با عادات و رسوم ملی باشد و چنین سیاستی را توسعه و تعمیم دهند.

۱-۱-۳- ویژگی‌های حق بر آموزش

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در زمره حقوق ایجابی مثبت قرار می‌گیرند زیرا تحقق آن‌ها نیازمند دخالت دولت است. «حق بر آموزش و پرورش به عنوان حق مثبت است، به

۱. ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «۱- هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است». همچنین، ر. ک: ماده ۲۶ بند ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳ بند ۲ (a)، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۸ (۱) کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۴ (a) کنوانسیون منع تبعیض در آموزش (۱۹۶۰).

ر. ک: اسناد منطقه‌ای، ماده ۱۷ (۲) منشور اجتماعی اروپا (۱۹۹۶)، ماده ۴۹ (a) منشور سازمان‌های دولتی آمریکایی (۱۹۴۸)، ماده ۱۲ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان (۱۹۴۸)، ماده ۱۳ (۳) (a) پروتکل الحاقی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۸۸) و ماده ۱۱ (۳) (a) منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک.

۲. «۱- دولت‌های عضو این میثاق حق هر فرد جهت برخورداری از آموزش را به رسمیت می‌شناسد. آن‌ها می‌پذیرند که آموزش باید در جهت توسعه کامل شخصیت و کرامت انسان و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تقویت و هدایت شود».

این معنا که حق ادعایی بر ضد دولت می‌باشد. ادعایی که لازمه آن تلقی دولت به عنوان متعهد خواهد بود» (همان، ۳۰۵-۳۰۶).

کمیته میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ که وظیفه نظارت بر اجرای مفاد میثاق را دارد در تفسیر کلی شماره ۱۳ خود معتقد است که آموزش در همه اشکال و در همه سطوح باید دارای ویژگی‌های چهارگانه قابلیت دسترسی (Availability)، قابلیت دستیابی (Accessibility)، قابلیت پذیرش (Acceptability) و قابلیت تطبیق (Adaptability) باشد.

بر این اساس دولت در قلمرو تحت صلاحیتش باید نهادها و برنامه‌های آموزشی را به حد کفایت در دسترس همگان قرار دهد. این امکانات آموزشی برای مثال وسایل بهداشتی برای هر دو جنس (زن و مرد)، آب آشامیدنی سالم، آموزگاران آموزش دیده و ... را در برمی‌گیرد (General Comment No. 13, 1999: para 6). بنابراین دولت موظف است که اجازه تأسیس مدارس را صادر و منابع ضروری برای توسعه فیزیکی مؤسسات آموزشی را فراهم نماید. (Kalantry, 2010: 275)

دولت می‌بایست زمینه‌ای را فراهم نماید که برنامه‌ها یا مؤسسات آموزشی برای همگان بدون تبعیض قابل دستیابی باشد. نخست باید آموزش بدون هیچ تبعیضی در دسترس همگان باشد، این عدم تبعیض یک تعهد مطلق برای دولت‌هاست و مشمول حصول تدریجی مورد اشاره درباره حق‌های اقتصادی و اجتماعی نمی‌شود. دوم، آموزش باید به صورت فیزیکی و سوم باید از نظر مالی برای همه قابل دستیابی باشد (General Comment No. 13: Para6).

دیگر آنکه هم شکل و هم محتوای آموزش که برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی را شامل می‌شود باید قابل پذیرش باشد. آموزش باید بر اصل عدم تبعیض و تناسب محتوای آموزش با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و زبان دانش آموزان استوار باشد (Ibid. Para 6).

دولت‌ها مکلفند که منابع لازم برای مؤسسات آموزشی را فراهم نموده تا آن‌ها بتوانند برنامه‌های آموزشی منطبق با نیازهای جامعه را ارائه نمایند. کمیته معتقد است که آموزش باید قابل انعطاف باشد و بتواند خود را با مقتضیات جامعه سازگار نموده و نیازهای اجتماع را برآورده نماید (Kalantry, 2010: 279)

۲- تحریم اقتصادی

تحریم خودداری از برقراری روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا نظامی برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول در دولتی دیگر است. تحریم یک اقدام دسته جمعی بدون استفاده از زور و نیروی نظامی است که از سوی سازمان ملل متحد علیه کشور خاطی در برابر تهدید یا نقض صلح به کار گرفته می‌شود. عده‌ای مهم‌ترین کاربرد تحریم را بازدارندگی آن می‌دانند (ظریف و میرزایی، ۱۳۷۶: ۹۲).

۱. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) رکنی است از متخصصان مستقل که اجرای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط دولت‌ها را رصد می‌کند. کمیته به موجب قطعنامه ۱۷/۱۹۸۵ شورای اقتصادی و اجتماعی مورخ ۲۸ می ۱۹۸۵ تشکیل گردید.

۲-۱- تعریف تحریم

تحریم‌ها به عنوان اقداماتی قهری که متضمن توسل به زور نیست برای اعمال فشار به کشور هدف وضع می‌گردند. ارائه تعریفی جامع از تحریم‌ها به نحوی که متضمن تمامی عناصر این اقدامات باشد سهل ممتنع است.

از نظر برخی تحریم عبارت است از: «اقداماتی که یک یا چند بازیگر بین‌المللی علیه یک یا چند بازیگر دیگر به منظور تحقق یکی یا هر دو هدف تنبیه طرف مقابل با محروم ساختن آن از برخی امور که برای آن ارزشمند است یا وادار ساختن طرف مقابل به رعایت برخی هنجارها که برای طرف اقدام کننده حائز اهمیت می‌باشد به عمل می‌آورند». (Simons, 1999: 10); (Galtung, 1967: 379) از نظر برخی دیگر تحریم «تدابیری قهرآمیز علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور است و یا دست‌کم بیانگر نظرات یک کشور درباره سیاست‌های دیگران» (Carter, 1988: 4). بدین ترتیب تحریم اقتصادی، به معنای اقدامات غیر نظامی است که تأثیر نامطلوبی بر انتقال کالا و خدمات یا دارایی‌های مالی یک کشور خاص می‌گذارد و هدف از برقراری آن تنبیه یا مجازات آن کشور یا وادار ساختن آن به تطبیق خود با اهداف سیاسی یا بیان ناخرسندی از اقدامات و رفتارهای آن کشور است.^۱ «در مجموع می‌توان گفت تحریم‌های اقتصادی عبارتند از: تحریم‌های هماهنگ شده توسط مرجع صلاحیت‌دار بر اساس مقررات قانونی بر معاملات تجاری و یا مالی به منظور لطمه زدن به زیست اقتصادی در درون یک کشور خاص» (نژندی‌منش، ۱۳۸۵: ۸).

۲-۲- عملکرد سازمان ملل متحد در توسل به تحریم‌های اقتصادی و تحریم‌های خارج از نظام ملل متحد

تحریم اقتصادی به عنوان «سلاحی قوی و مؤثر، نسبتاً ارزان، بدون خونریزی و به علاوه آسان برای به زانو در آوردن متجاوز» (Simons, 1999: 37). ابزاری است که سازمان ملل متحد در مناقشاتی که مخصوصاً در دهه ۹۰ میلادی جهان با آن روبرو بود مانند عراق و سومالی و ... از آن استفاده نموده است (Luck, 2006: 61). تا پیش از دهه ۹۰ میلادی و در دوران جنگ سرد شورای امنیت تنها دو بار از تحریم اقتصادی استفاده نمود که اتفاقاً هر دو مورد علیه آفریقای جنوبی وضع گردید (Frederking, 2007: 61).^۲

پایان جنگ سرد نقطه عطفی در اعمال تحریم‌های گسترده بر اساس ماده ۴۱ منشور ملل متحد بود.^۳ تحریم عراق (Reisman & Douglas, 1998: 101-107) که صادرات نفت، واردات

۱. برای دیدن تعاریف دیگر، ر. ک:

Davidsson Elias: Towards a Definition of Economic Sanctions, (revised version 2003), Available at: <http://freepdfdb.com/pdf/towards-a-definition-of-economic-sanctions-10755473.html>

۲. همچنین، ر. ک:

(SCR 253) 1966 and 1977 (SCR 418) and A/RES/1761 (XVII), The Policies of Apartheid If the Government of the Republic of South Africa, 6 November 1962

۳. ماده ۴۱ منشور ملل متحد: شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجراء تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن بکارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.

اسلحه و انتقال کالا از طریق دریا را در بر می‌گرفت^۱ طولانی‌ترین تحریم وضع شده در تاریخ شورای امنیت است.^۲ تاکنون شش قطعنامه نیز در زمینه پرونده هسته‌ای ایران از سوی شورای امنیت صادر شده است.^۳

علاوه بر تحریم‌های در چارچوب ملل متحد، تحریم‌های یک جانبه کشورها علیه کشورهای دیگر نیز بخشی از واقعیت امروز حقوق بین‌الملل است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نیز شورای حقوق بشر اقدامات قهرآمیز اقتصادی را به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف سیاسی برخلاف حقوق بین‌الملل می‌دانند.^۴ وضع تحریم‌های جامع و همه جانبه به علت عواقب وحشتناک و رقت‌انگیز انسانی، یک ابزار سیاسی نامشروع است (Frederking, 2007: 61) و (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۷۱).

شورای حقوق بشر اقدامات اجباری یک جانبه را برخلاف حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، منشور، هنجارها و اصول حاکم بر روابط صلح‌آمیز میان ملت‌ها می‌داند همچنین تأکید می‌کند که این اقدامات تأثیرات منفی بر حقوق بشر، توسعه، روابط بین‌الملل و ... خواهد گذارد.^۵ این شورا از همه دولت‌ها می‌خواهد که «تصویب و اجرای اقدامات اجباری یک جانبه را که مطابق حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، منشور ملل متحد و هنجارها و اصول حاکم بر روابط صلح‌آمیز میان دولت‌ها نیست، به ویژه آن‌هایی که از ماهیتی اجباری با تأثیرات فراملی برخوردارند، و موانعی برای روابط تجاری میان دولت‌ها ایجاد می‌کند را متوقف نمایند زیرا مانع تحقق کامل حقوق مقرر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر به ویژه حق افراد و مردم بر توسعه می‌گردد».^۶

۳- تحریم‌های اقتصادی و حق بر آموزش

۳-۱- محدودیت‌های شورای امنیت در وضع تحریم‌های اقتصادی

شورای امنیت در اعمال وظایف خود به موجب فصل هفتم منشور از اختیارات گسترده و وسیعی برخوردار است. برخی معتقدند که برای حفظ بشریت به واسطه حفظ صلح و امنیت

1. SC Res, 661(1990)

۲. شورای امنیت در تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۱۳ طی قطعنامه ۲۱۰۷ این تحریم‌ها را لغو نمود.

3. S/RES/1929, 9 June 2010. S/RES/1835, 27 September 2008. S/RES/1803, 3 March 2008. S/RES/1747, 24 March 2007. S/RES/1737, 23 December 2006. S/RES/1696, 31 July 2006

4. A/HRC/RES/15/24, Human Rights Council, Human rights and unilateral coercive measures, 2010. And A/HRC/RES/12/22, 2009. And A/RES/64/170, the General Assembly, Human rights and unilateral coercive measures, 2010. And See the Report of the Secretary General on the Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran (A/67/327 Para 41, 42). Also see the Secretary General's annual report on Human rights and unilateral coercive measures (A/67/181). Secretary General's report on Unilateral economic measures as a means of political and economic coercion against developing countries (A/66/138) and E/CN. 4/Sub. 2/2000/33. Commission On Human Rights. Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights And also see: World Conference on Human Rights Vienna, 1993. A/CONF. 157/23. Para 31

5. A/HRC/RES/15/24, op. cit, P1

6. Ibid, Para 1 and also see: Declaration of Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations, resolution 2625 (XXV) of 1970. pp2 & 6 and A/RES/46/210, Economic measures as a means of political and economic coercion against developing countries, 1991, Para2. and Charter of Economic Rights and Duties of States, GA Res. 3281(xxix), UN GAOR, Supp. No. 31 (1974) 50 and A/RES/51/22(1996).

بین‌المللی، شورای امنیت می‌تواند هر تصمیمی اتخاذ نماید. به عبارت دیگر هیچ قاعده حقوقی که بتواند مانع از تصمیم‌گیری شورا در خصوص حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شود وجود ندارد (Davidsson, 2003: 2). اما، شورای امنیت برای عمل بر اساس فصل هفتم منشور با محدودیت‌هایی مواجه است «... محدودیت‌های اساسی برای قدرت شورای امنیت از منشور ملل متحد قابل تشخیص می‌باشد. این محدودیت‌ها از اهداف و اصول ملل متحد ناشی می‌شود. شورای امنیت ملزم است مطابق ماده ۲۴ (۱) منشور متعهد اقدام نماید. به ویژه ... که شورای امنیت به وسیله حقوق بین‌الملل عام، تعهدات حقوق بشر و هنجارهای قطعی حقوق بین‌الملل ملزم می‌شود» (Akande, 2007: 4).

۳-۱-۱- منشور ملل متحد

منشور ملل متحد اولین ابزاری است که صلاحیت‌های شورای امنیت را محدود می‌نماید. مطابق با منشور، شورا در زمان اتخاذ تصمیم در خصوص یک وضعیت حداقل باید تهدید صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز نماید اما، در برخی از قضایا مانند پرونده هسته‌ای ایران شورا تنها به ذکر نگرانی جدی در خصوص فعالیت هسته‌ای ایران اکتفا می‌کند. قطعنامه ۱۹۲۹ «با ابراز نگرانی از خطرات گسترش تسلیحات برنامه هسته‌ای ایران و با آگاهی از مسئولیت اصلی آن بر اساس منشور سازمان ملل برای حفظ امنیت و صلح بین‌المللی» صادر گردید. دیگر آنکه اعمال این اقدامات اجباری یا قاهرانه باید برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد و در نهایت آنکه در اتخاذ چنین اقداماتی، شورای امنیت مطابق بند ۲ ماده ۲۴ باید اهداف و اصول ملل متحد را مدنظر قرار دهد زیرا «علاوه بر هدف اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، اهداف منشور شامل احترام به حق تعیین سرنوشت، حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی و بشر دوستانه و تشویق حقوق بشر نیز می‌شود. شورای امنیت باید میان هدف اولیه با شناسایی اهداف ثانویه تعادل برقرار نماید» (De wet, 2004: 191-193).

۳-۱-۲- قاعده آمره

شورای امنیت نمی‌تواند تصمیماتی اتخاذ نماید که مغایر با قواعد آمره باشد. اینکه دقیقاً کدام یک از هنجارهای حقوق بین‌الملل ویژگی قاعده آمره یافته‌اند محل بحث می‌باشد اما، بسیاری پذیرفته‌اند که قواعد اساسی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و برخی از قواعد حقوق بشر، از جمله ممنوعیت شکنجه و حق تعیین سرنوشت و نیز منع توسل به زور، ژنوساید، اصل منع تبعیض نژادی، جرائم علیه بشریت و منع تجارت برده و دزدی دریایی از مصادیق این هنجارها به شمار می‌روند (Brown Lie, 1998: 515).

«قدرت شورا برای تصویب اقدامات اجرایی به وسیله دو طبقه از هنجارهایی که بسیار به هم نزدیک هستند محدود می‌شود. هنجار قاعده آمره در خصوص تصویب اقداماتی که هنجارهای بنیادین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را نقض می‌کند مانعی برای شورای امنیت است. همچنین در زمان توسل به اقدامات اجرایی فصل هفتم، شورا ملزم به رعایت حسن نیت و اجرای انتظارات

حقوقی ایجاد شده به وسیله اعمال خود می‌باشد» (De wet, 2004?: 215-216). بنابراین شورای امنیت در تصویب قطعنامه‌های خود می‌بایست مفاد ماده ۵۳ کنوانسیون وین را رعایت نموده و به آن پایبند باشد به عبارت دیگر شورا ملزم به رعایت قواعد آمره می‌باشد (Hossain, 2005: 85).

۳-۱-۳- حقوق بشر

التزام شورای امنیت به رعایت حقوق بشر یکی از مسائلی است که محل مناقشه می‌باشد. آیا التزام شورای امنیت منحصر به حقوق اساسی بشر می‌باشد یا آنکه باید حقوق بشر را به عنوان حقوقی «غیر قابل تفکیک»^۱ مد نظر قرار دهد؟ آیا شورای امنیت در زمان تصویب اقدامات غیر نظامی به موجب ماده ۴۱ مجاز به محدود کردن حقوق بشر می‌باشد؟ برخی معتقدند که شورای امنیت در زمان اعمال ماده ۴۱ منشور ملل متحد از جمله در وضع تحریم‌های اقتصادی می‌بایست حقوق بشر را در کل رعایت نماید. در واقع شورا ملزم به رعایت قواعد مربوط به همه حقوق بشر اعم از حقوق اساسی و سایر حقوق بشر خواهد بود (فرخ سیری، ۱۳۸۷: ۵۰).

گروهی دیگر در مقابل معتقدند که شورای امنیت تنها ملزم به رعایت آن دسته از قواعد حقوق بشر می‌باشد که در ماده ۴ بند ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان حقوق «غیر قابل انحراف»^۲ شناسایی شده‌اند. اگر چه برخی حقوق غیر قابل انحراف را محصور به این ماده نمی‌دانند،^۳ با این وجود وضعیت حاکم بر این حقوق، دلالت بر آن دارد که شورای امنیت باید با حسن نیت در خصوص هنجارهای حقوق بشر غیر قابل انحراف اقدام نماید. به عبارت دیگر شورا نمی‌تواند این حقوق را در زمان تصویب قطعنامه در اجرای ماده ۴۱ منشور نادیده گرفته و آن‌ها را محدود نماید اگر چه، برخی اعتقاد دارند که شورا مکلف نیست اعمال مندرج در فصل هفتم منشور را توجیه نماید (فرخ سیری، ۱۳۸۷: ۵۱). به علاوه اکثر حقوق بشر غیر قابل انحراف به صورت قاعده آمره درآمده‌اند؛ (Grill, 1995: 33-138) و همین می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای آن باشد که شورای امنیت نتواند این حقوق را در زمان تصویب اقدامات اجرایی اعم از آنکه کشوری بدان پیوسته باشد یا خیر، محدود نماید (De wet, 2004: 200). با این وجود مسئله این است که آیا حق بر آموزش در زمره حقوق غیر قابل انحراف قرار دارد یا خیر؟

بررسی اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که حق بر آموزش یک هنجار عرفی حقوق بین‌الملل است (Verheyde, 2005: 7-8). این حق دارای مبانی محکمی در حقوق بین‌الملل بشر است (Coomans, 1995: 1). اما به اعتقاد برخی «با توجه به مخالفت بسیاری از کشورها با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این نظرات بسیار خوش‌بینانه هستند. به هر حال می‌توان با اطمینان ادعا کرد که دو اصل آموزش یعنی حق بر آزادی و آموزش ابتدایی اجباری و حق بر عدم تبعیض در بهره‌مندی از حق بر آموزش تبدیل به بخشی از حقوق عرفی

1. Inalienable

2. Non-Derogable

3. E/CN. 4/Sub. 2/1994/23. Chapter I: Question of Inalienable or Non-derogable Rights. Para 13.

شده‌اند» (Dieter Beiter, 2006: 34). بنابراین می‌توان مدعی شد که انکار این حق نقض آشکار یک قاعده عرفی به موجب حقوق بین‌الملل می‌باشد (Ibid. 35-36). همچنین می‌توان گفت که «حق بر آموزش مقرر در ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک حق جهانی است که بدون توجه به سن، زبان، اصالت اجتماعی و یا نژادی و یا سایر عوامل به همه افراد اعطا شده است» (Coomans, 1195: 2).

اگر چه حق بر آموزش در حوزه‌های مربوط به آموزش اجباری و عدم تبعیض یک قاعده عام‌الشمول و عرفی است اما هنوز به عنوان یک قاعده آمره پذیرفته نشده است اما، باید پذیرفت که این حق یک حق غیرقابل انحراف و اساسی است. بنابراین شورای امنیت باید هدف اساسی و بنیادین سازمان ملل متحد برای ارتقای احترام به حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر برای همه بدون تبعیض مطابق بند ۳ ماده ۱ منشور را مورد توجه قرار دهد.^۱

۳-۲- تأثیر تحریم اقتصادی بر نقض حق بر آموزش

آثار تحریم‌های اقتصادی چنان گسترده است که کمتر حق بشری است که در اثر وضع آن‌ها با احتمال نقض روبرو نگردد. اما مطمئناً برخی از حقوق مخصوصاً در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارند که بیشتر از سایر حقوق در معرض نقض و تهدید هستند مانند حق بر غذا، حق بر بهداشت و حق بر آموزش. حقوق دیگری نیز مانند حق بر استاندارد مناسب زندگی، حق بر دستمزد عادلانه، حق بر زندگی خانوادگی با وضع تحریم‌های اقتصادی نقض خواهند گردید (Marks, 1999: 1510).

۳-۲-۱- نقض حق بر آموزش بر اثر تحریم اقتصادی

ویژگی‌های چهارگانه حق بر آموزش (قابلیت دسترسی، دستیابی، پذیرش و تطبیق) شامل مؤلفه‌های این حق از قبیل نهادها، اقلام و امکانات، برنامه‌ها، محتوا، کمیت و کیفیت آموزش و نیز تطبیق و به روز بودن آموزش می‌شود. به نظر می‌رسد با وضع تحریم‌های اقتصادی مشابه آنچه در عراق به واسطه قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) اتفاق افتاد بتوان گفت تمامی این مؤلفه‌ها و در نتیجه حق بر آموزش نقض خواهد گردید.

ایجاد قابلیت دسترسی به نهادها و برنامه‌های آموزشی یکی از وظایف دولت‌هاست که باید به حد کافی در دسترس همگان قرار گیرد. بنا به گزارش یونسکو کشور عراق پیش از جنگ خلیج فارس و تحمیل تحریم‌های اقتصادی یکی از بهترین سیستم‌های آموزشی منطقه را داشت.^۲ اما تحریم‌ها چنان وضعیتی را برای معلمان عراقی ایجاد نمود که بسیاری از آنان یا به راندگی تاکسی مشغول گردیدند و یا در خیابان‌ها سیگار می‌فروختند و دانشجویان برای خرید کتاب‌ها و مجلات گدایی می‌نمودند (اسدی، ۶۶: ۱۳۸۶). همچنین مدارس فاقد کتاب درسی

1. E/CN. 4/Sub. 2/1994/39. Commission On Human Rights. Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities. para13.
2. Iraq, Education in Transition Needs and Challenges. UNESCO, 2004, P(III).

کافی بودند، خدمات آموزشی در کمترین حد ممکن بود و تجهیزات و ساختمان‌های مدارس به علت عدم نگهداری تخریب گردیدند (Ibid. pVI).

از نکات دیگری که در تفسیر کلی شماره ۱۳ جزء ویژگی قابلیت دسترسی حق بر آموزش است وجود امکانات بهداشتی می‌باشد. وجود آب آشامیدنی سالم (حق بر آب) از جمله مصادیق این مؤلفه است که در مؤسسات آموزشی باید در دسترس باشد. (General Comment No 15, 2002: Para 6(a)) حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها مکلفند دسترسی فیزیکی به آب آشامیدنی سالم در مؤسسات آموزشی را فراهم نمایند. (Ibid. Para 12(c) (i)) «عدم دسترسی به آب در خیلی از شهرها و روستاهای کشورهای جهان سوم به حق آموزش کودکان، به ویژه کودکان دختر لطمه می‌زند. تعداد زیادی از کودکان برای تأمین آب مورد نیاز خانواده خود مجبورند مسافت‌های زیادی را حتی چند بار در روز طی کنند و به همین دلیل از کلاس‌ها و دروس خود عقب می‌مانند» (داش‌اب، ۱۳۸۸: ۶۹) و (Durbreuil, 2006: 9-10).

متلاشی شدن اقتصاد عراق بحران سلامتی، تغذیه و آموزش در این کشور را تسریع نمود. (Reisman & Douglas: 104) چنانکه بر اساس برآورد ملل متحد از هر پنج دانش آموز یکی به دلیل کمبود امکانات آموزشی و تنگنای مالی ترک تحصیل نمود (Ibid. 105). فقر ناشی از اعمال تحریم‌های اقتصادی یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر یعنی حق بر غذا را تهدید و نقض می‌کند. حق بر غذا و حق بر آموزش رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند زیرا «مردم گرسنه و دارای سوءتغذیه قادر به بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی یکسان با دیگران نیستند. سوء تغذیه و کمبود غذا در میان کودکان تأخیر و عدم موفقیت را به دنبال دارد. برای فقرا غذا اغلب بر آموزش برتری دارد. کودکان غالباً برای تأمین امنیت غذایی خانواده کار می‌کنند» (Künemann & Epal-Ratjen, 2005: 72).

در کشور برمه فرار مغزها یکی از معضلات ایجاد شده بر اثر اعمال تحریم‌های آمریکاست. در این کشور افرادی که فارغ التحصیل شده‌اند و یا از آموزش‌های خوبی برخوردار بوده‌اند کشور را ترک کرده‌اند (Andréasson, 2008: 32). در عراق نیز «دسترسی زنان به آموزش مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌ها بود. هیچ پولی برای اختصاص به آموزش وجود نداشت. فقدان منابع مالی فرار مغزها را به دنبال داشت یعنی معلمان و اساتید دانشگاه برای یافتن فرصت شغلی به جاهای دیگر رفتند» (Al-Jawaheri, 2008: 302).

بر اساس پاراگراف ۶ تفسیر کلی شماره ۱۳ قابلیت دستیابی باید به شکلی باشد که به صورت فیزیکی امکان دسترسی به مدارس یا با استفاده از تکنولوژی مدرن (مثل دسترسی به آموزش از راه دور) فراهم باشد. برخی گزارش‌ها نشان می‌داد که بسیاری از کودکان عراقی چیزی به نام کامپیوتر ندیده‌اند و هیچ چیز راجع به اینترنت نشنیده‌اند (اسدی، ۱۳۸۶: ۷۵). این امر نیازمند امکانات و بار مالی است که تا حد زیادی بستگی به درآمد کشور دارد (بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بنابراین بازسازی یا نوسازی زیر ساخت‌هایی که

شدیداً آسیب دیده‌اند بعد از تحریم‌ها امری لازم است.^۱
یکی از مهم‌ترین لطماتی که تحریم‌ها بر عراق وارد نمود آسیب بر منابع انسانی آن کشور بود. تنها ۲۳٪ از کودکان ۶ ساله در مدارس ثبت نام نمودند. بیشتر خانواده‌ها برای تأمین درآمد خانوار به کودکان خود متکی بودند. کودکان مجبور بودند برای افزایش درآمد خانواده کار کنند یا گدایی نمایند.^۲

وابستگی حق بر آموزش به اقتصاد خرد و کلان جامعه امری است که به واسطه تحریم‌های اقتصادی می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. در این خصوص می‌توان دانشجویان ایرانی را مثال زد که در خارج از کشور در حال تحصیل هستند. روزنامه گاردین در گزارشی تحت عنوان شکایت دانشجویان ایرانی از تبعیض در آن سوی آب‌ها در خصوص تأثیر تحریم‌ها بر روند تحصیلی و وضعیت مالی دانشجویان ایرانی آورده است: «تحریم‌ها به دلیل حساب‌های بانکی مسدود شده، وام‌های دانشجویی پرداخت نشده و درخواست‌های پذیرش رد شده، مورد سرزنش می‌باشند. تحریم‌ها مانع فرصت تحصیل ایرانیان جوان در خارج از کشور می‌شوند. به علت تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا تعداد دانشجویان ایرانی که با دشواری روبرو هستند در حال افزایش است»^۳. گرانی ارز که بخشی از آن ناشی از اعمال تحریم‌های اقتصادی است دانشجویان زیادی را مجبور به بازگشت و ادامه تحصیل در دانشگاه‌های داخل نموده است.^۴

۲-۲-۳- قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت و آثار آن بر حق بر آموزش

در سال ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۷۳۷ در خصوص برنامه هسته‌ای ایران به تصویب شورای امنیت رسید. بند ۱۷ این قطعنامه از کلیه کشورها می‌خواهد: «نسبت به آموزش تخصصی یا تعلیم اتباع ایرانی در رشته‌هایی که به فعالیت‌های هسته‌ای حساس به لحاظ اشاعه و توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح‌های هسته‌ای ایران کمک خواهد نمود، در داخل قلمرو یا توسط اتباعشان هوشیاری اعمال و از آن جلوگیری نمایند».

بر اساس این بند کشورهای عضو ملل متحد می‌بایست از آموزش اتباع ایرانی که بر اساس معاهدات حقوق بشری یکی از تعهدات دولت‌ها به حساب می‌آید امتناع نمایند. به عبارت دیگر تعهدات دولت‌های عضو مطابق ماده ۲۵ منشور ملل متحد که بر اساس آن «موافقت می‌نمایند که، تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند». در مقابل تعهدات حقوق بشری آنان طبق میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز

1. Iraq, Education in Transition Needs and Challenges, op. cit, P8.

2. The Human Rights Impact Of Economic Sanction On Iraq, Background Paper By The Office Of The High Commissioner For Human Rights For The Meeting Of The Executive Committee on Human Affairs 5 September 2000. P4. and also see: Malone David, The International Struggle Over Iraq, Oxford University press, First published, 2006,p136.

3. Iranian students complain of discrimination overseas. Available at: <http://www.guardian.co.uk/world/2013/feb/14/iranian-students-discrimination-overseas>.

۴. برای اطلاعات بیشتر، ر. ک: پایگاه خبری فرارو. کد خبر: ۱۳۸۴۵۸ تاریخ ۹۱/۱۰/۲۵ قابل دسترس در: <http://fararu.com/fa/news/138458/>

کنوانسیون منع تبعیض در آموزش (۱۹۶۰) قرار می‌گیرد. آیا بند ۱۷ قطعنامه ۱۷۳۷ ناقض تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر آموزش می‌باشد یا خیر؟

تحلیل بند ۱۷ این قطعنامه با عنایت به ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نکات ذیل را در بردارد: «اولاً، این محدودیت‌ها شامل تمامی اتباع ایرانی می‌شود. ثانیاً، از عبارت «تدریس یا آموزش تخصصی اتباع ایرانی» این چنین به نظر می‌رسد که این محدودیت‌ها تمامی آموزش‌های آکادمیک و انتقال علم چه به صورت تئوری و یا عملی را در برمی‌گیرد. ثالثاً، از کشورها خواسته شده که در «قلمرو یا توسط اتباعشان» از این آموزش جلوگیری نمایند. رابعاً، گفته شده «در مورد رشته‌هایی که به فعالیت‌های هسته‌ای حساس و توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای ایران کمک می‌کند» هوشیاری به خرج دهند. با توجه به این عبارت دامن‌ه محدودیت‌های آموزشی بسیار گسترده می‌باشد» (بابایی و دانیالی، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۵).

طبق بند ۱ ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای عضو این میثاق حق هر کس نسبت به آموزش را به رسمیت می‌شناسند. ضمن آنکه مطابق بند ۲ ماده ۲ همین میثاق، «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هر گونه تبعیضی تضمین نمایند». بنابراین عبارت «آموزش تخصصی اتباع ایرانی» مقرر در بند ۱۷ قطعنامه در تعارض با این مواد است. «... در هیچ‌یک از اسناد حقوق بشری که حق آموزش در آن‌ها ذکر شده است اجازه داده نشده است که قسمتی از حق آموزش اتباع یک کشور محدود شود» (پیشین، ۱۶۵-۱۶۶).

بر اساس بند ۱۹ قطعنامه ۱۷۳۷ کشورها باید اجرای مؤثر بند ۱۷ را به کمیته قطعنامه گزارش نمایند. گزارش کشورهای عضو ملل متحد در اجرای این بند حاکی از آن است که این کشورها در اجرای تعهداتشان اولویت را به اجرای تعهدات بر اساس منشور و اجرای قطعنامه شورای امنیت داده‌اند. دولت هند خود را متعهد به اجرای بند ۱۷ قطعنامه در قوانین داخلی، قانونگذاری و رویه اجرایی‌اش می‌داند.^۱ دولت قطر نیز تعهد خود مبنی بر اجرای بند ۱۷ و سایر بندهای قطعنامه ۱۷۳۷ را اعلام کرده است.^۲ دولت ژاپن هم در گزارش خود اعلام نمود: «دولت اقدامات ضروری را برای اعمال مراقبت و جلوگیری از آموزش و تحصیل تخصصی اتباع ایرانی در خاک ژاپن یا توسط اتباع ژاپنی اتخاذ کرده است».^۳ دولت دانمارک نیز محدودیت تحصیل اتباع ایرانی را مطابق با قوانین مربوط به پذیرش افراد اعمال خواهد کرد.^۴

«محتوای اصلی»^۵ حق بر آموزش و هسته بنیادین آن دسترسی همه افراد به این حق می‌باشد در صورتی که دولتی این هسته اصلی را نادیده بگیرد به دلیل آنکه «هر حق باید از یک استحقاق حداقلی مطلق ناشی شود، در فقدان آن، دولت عضو ناقض تعهداتش قلمداد خواهد شد». (Coomans, 1995: 7) واژه تبعیض در ماده ۱ کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش شامل

1. S/AC. 50/2007/20. 27 February 2007

2. S/AC. 50/2007/24. 5 March 2007

3. S/AC. 50/2007/16. 2 March 2007

4. S/AC. 50/2007/13. 2 March 2007

برای دیدن سایر گزارش‌ها، ر. ک: <http://www.un.org/sc/committees/1737/memberstatesreports.shtml>

5. Core Content

«هر گونه تمایز، محروم‌سازی، ایجاد محدودیت، یا رجحان قائل شدن می‌باشد». بنابراین بند ۱۷ قطعنامه با ایجاد محدودیت برای ایرانیان خواستار تحویل در رشته‌های مرتبط با مباحث هسته‌ای در یک معنای حداقلی، تبعیض در حق بر آموزش می‌باشد. این محدودیت همان‌گونه که بند الف ماده ۱ کنوانسیون مذکور بیان می‌کند: «محروم کردن هر فرد یا گروهی از افراد از دسترسی به هر نوعی از سطح از آموزش و پرورش تلقی می‌گردد». بنابراین، محدودیت برای ایرانیان نقض «محتوای اصلی» حق بر آموزش به عنوان یک قاعده عرفی می‌باشد.

«شاید ماده ۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بتواند در عمل برای تفسیر واژه «محتوای اصلی» مفید باشد. این ماده محدودیت‌هایی را برای بهره‌مندی از حقوق مندرج در میثاق مشخص می‌کند اما ضوابطی را نیز برای چنین محدودیت‌هایی مقرر می‌کند. برای مثال این محدودیت‌ها نمی‌توانند معیار با ماهیت یک حق باشند. به نظر می‌رسد ماهیت یک حق باید به معنای هسته یا اساس آن تفسیر گردد یعنی آن عنصر اساسی بدون حق اهمیت بنیادین خود به عنوان یک حق بشری را از دست می‌دهد. در حقیقت محتوای اصلی متضمن ارزش اساسی و ذاتی هر حق بشری است» (Ibid. 7) به نظر می‌رسد با عنایت به ماده ۱۳ میثاق و تعهد دولت‌های عضو برای در دسترس قرار دادن آموزش برای همه، عدم تبعیض در آموزش یکی از عناصر اساسی حق بر آموزش است. (Verheyd, 2005: 11)^۱

اما این سؤال باقی است که چگونه باید تعارض میان حق بر آموزش و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت را برطرف نمود؟ و اولویت در اجرای کدامیک از این تعهدات است؟

۳-۲-۳- جایگاه ماده ۱۰۳ منشور

ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «در صورت تعارض میان تعهدات اعضاء ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آن‌ها بر طبق هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر تعهدات آن‌ها به موجب این منشور مقدم خواهد بود». بر اساس این ماده، جایگاه تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در مقابل تعهدات ناشی از منشور از جمله قطعنامه‌های شورای امنیت کجا خواهد بود؟ آیا اصولاً قطعنامه‌ها صادره بر اساس منشور جزئی از تعهدات دولت‌ها تلقی می‌شوند؟

برخی معتقدند که ماده ۱۰۳ شامل تعهدات به موجب منشور ملل متحد نمی‌شود و محل تردید است که آیا قطعنامه‌های شورای امنیت تعهدی به موجب منشور است یا خیر، زیرا قطعنامه بخشی از منشور نیست (Corten & Klein, 2011: 781). از طرف دیگر برخی معتقدند: «سخن ماده ۱۰۳ این نیست که تنها باید منشور غالب باشد اما بیشتر به تعهدات به موجب منشور اولویت می‌دهد. تعهدات ماده ۱۰۳ تا آنجا است که منشور صلاحیت ارگان‌های ملل متحد را برای تصویب تصمیمات الزام‌آور مقرر می‌کند. اقدامات اتخاذی مطابق با چنین مقرراتی می‌تواند تعهدات اعضاء بر اساس ماده ۱۰۳ را به‌رغم وجود هر نوع تعهدات دیگر در پی داشته باشد. این امر بر تصمیمات و اقدامات اجرایی

۱. همچنین، ر. ک:

E/CN.4/sub.2/1999/10. Commission On Human Rights. Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities. Para 38-48.

شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور نیز صادق است. از آنجایی که اعضای ملل متحد به موجب ماده ۲۵ ملزم به پذیرش و اجرای تصمیمات شورای امنیت بر اساس منشور حاضر می‌باشند مطابق ماده ۱۰۳ باید اولویت را به این تعهدات بر سایر تعهدات بدهند. این موضوع در قطعنامه ۶۷۰ (۱۹۹۰) شورای امنیت در ارتباط با بحرین عراق و کویت آشکار گردید. در این قطعنامه شورا «مقررات ماده ۱۰۳ منشور» را یادآوری می‌کند و تصمیم می‌گیرد که همه دولت‌ها به‌رغم وجود هر نوع حقوق یا تعهدات تصویب یا تحمیل شده به وسیله هر نوع توافقنامه بین‌المللی دیگر باید آن‌ها را کنار گذارده و تصمیمات بعدی شورای امنیت را مورد توجه قرار دهند» (Simma, 1995: 1120). بر اساس این نظر قطعنامه‌های شورای امنیت یک تعهد فوری و مستقیم ناشی از منشور است که باید بر همه تعهدات دیگر دولت‌ها اولویت داده شود (Ibid. 1124).

در این خصوص باید با این نظر هم سو بود که درست است که قطعنامه‌های شورای امنیت «می‌تواند تعهد برآمده از منشور باشد زیرا الزام آن از ماده ۲۵ منشور ناشی می‌شود اما با این وجود حتی اگر ماده ۱۰۳ به صورت موسع تفسیر گردد که در بردارنده اولویت نه تنها منشور باشد، بلکه قطعنامه‌های الزام آور تصویب شده بر اساس آن را نیز در بر بگیرد تأثیرش همچنان محدود خواهد بود. تعهد به اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت خود مشروط به مطابقت تصمیمات شورا با اصول منشور می‌باشد. بنابراین ماده ۱۰۳ نمی‌تواند به گونه‌ای تفسیر گردد که اختیار وسیعی را به ملل متحد بدهد که در تعارض با خود منشور باشد. ماده ۲۵ تأکید می‌کند که قدرت شورا برای تصویب تصمیمات الزام آور یک قدرت نمایندگی می‌باشد و منوط به شرطی است که قطعنامه‌ها منطبق با منشور باشد» (Corten & Klein, 2011: 781)

همچنین برخی معتقدند: «در زمان تعارض بین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر و سایر تعهدات دولت‌ها به موجب منشور ملل متحد، مقررات منشور ارجحیت خواهد داشت. اما شورای امنیت همچنان ملزم به احترام به اهداف و اصول ملل متحد و هنجارهای قطعی حقوق بین‌الملل در زمان اجرای مسئولیت اولیه‌اش برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی خواهد بود» (Ibid. 761). اگر این دیدگاه پذیرفته شود چیزی از قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که اکثر قواعد آن‌ها در زمره قواعد عرفی می‌باشند باقی نخواهد ماند. اگر بپذیریم که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عنوان مهم‌ترین مسئولیت شورای امنیت می‌تواند سایر تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در حوزه حقوق بشر را تحت شعاع قرار دهد این امر نافی مقررات منشور در خصوص حقوق بشر و توسعه آن مانند بند ۳ ماده ۱ منشور خواهد بود.

برخی حفظ صلح را مقدم بر سایر تعهدات دولت‌ها می‌دانند؛ (Davidsson, 2003: 2) و در چارچوب ماده ۱۰۳ منشور معتقدند: «نظر به اینکه هدف اصلی فصل هفتم منشور حفظ و یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است، به نظر می‌رسد بتوان اجرای ماده ۱۰۳ را در مورد ماده ۴۱ نیز پذیرفت. این نظر مبتنی بر نقش فصل هفتم منشور در حفظ نظم عمومی و اعطای حداکثر انعطاف و کارایی به عملکرد شورای امنیت می‌باشد. البته می‌توان برای تبری از مسئولیت بین‌المللی همچنان به دکترین آثار تجویزی مصوبات سازمان ملل متحد استناد نمود»

(بیگزاده، ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۲۲). رویه سازمان ملل متحد و اعضاء آن نشان می‌دهد که قاعده ماده ۱۰۳ نه تنها بر تعهدات در معنای مضیق یعنی اقدامات اجباری دلالت دارد بلکه اقدامات اتخاذ شده به موجب ماده ۴۰-۴۲ را نیز در بر می‌گیرد (Corten & Klein, 2011: 761).

از آنجایی که ماده ۱۰۳ تنها به قواعد قراردادی و تعهدات معاهده‌ای دولت‌های عضو منشور اشاره می‌کند این بدان معنی است که تعهدات عرفی را در بر نمی‌گیرد. اما برخی معتقدند درست است که سخنی از برتری تعهدات منشور بر تعهدات عرفی به میان نیامده است اما باید قائل به این بود که تعهدات ناشی از منشور بر تعهدات عرفی نیز برتری دارند زیرا «در غیر این صورت محدودیت‌های وارده بر عملکرد شورای امنیت بیش از حد خواهند شد» (بیگزاده، سال ۱۳۸۹: ۳۲۲). بر این اساس تصمیمات شورای امنیت بر حقوق بین‌الملل عرفی نیز ارجح خواهد بود؛ (Ibid. 761) و قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت باید بر مبنای ماده ۱۰۳ منشور بر سایر تعهدات دولت‌های عضو اولویت داده شود (Ibid. 761) اما، شاید بتوان گفت همان‌گونه که از ماده ۱۰۳ بر می‌آید این ارجحیت تنها بر قواعد قراردادی است و نه بر کل حقوق بین‌الملل. بنابراین قواعد معاهده‌ای که در بردارنده حقوق عرفی هستند مصون از تأثیر ماده ۱۰۳ خواهند بود.

گفته شد که حق بر آموزش حداقل در حوزه آموزش اجباری و عدم تبعیض در آموزش یک قاعده عرفی است. در بند ۱۷ قطعنامه ۱۷۳۷ جلوگیری از آموزش اتباع ایرانی به معنای تبعیض در آموزش تلقی می‌شود که به عنوان یک قاعده عرفی در برابر تعهدات ناشی از قطعنامه شورای امنیت قرار می‌گیرد. بنابراین از یک طرف می‌توان گفت با عنایت به اینکه حق بر آموزش و منع تبعیض در آموزش ناشی از مقررات یک میثاق بین‌المللی است بر اساس مقررات ماده ۱۰۳ منشور برتری با تعهدات قطعنامه خواهد بود و از طرف دیگر می‌توان معتقد بود که منع تبعیض در آموزش یک قاعده عرفی و مصون از مقررات ماده ۱۰۳ منشور می‌باشد و به نظر می‌رسد برتری مطلق قطعنامه‌های شورای امنیت با توجه به سایر مقررات موجود در منشور در خصوص رعایت، توسعه و تشویق حقوق بشر قابل دفاع نخواهد بود.

اهداف ملل متحد در کنار حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، در بند ۳ ماده ۱ حصول همکاری بین‌المللی را منوط به توسعه و ترغیب رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای تمامی افراد بدون تمایز نموده است. «به نظر می‌رسد که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مبانی اصلی ایدئولوژی سازمان ملل متحد باشد»؛ و بر این اساس منشور در ماده ۵۵ بند ج: «احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض حیث نژاد، جنسیت، زبان و یا مذهب» را برای دستیابی به ثبات و رفاه و همچنین تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل تشویق می‌نماید (ماده ۶۲ بند ۲ و ماده ۷۶ بند ج منشور ملل متحد). این مقررات که «یک دسته از آن‌ها [مانند بند ۳ ماده ۱ و ماده ۵۵] در ارتباط با اهداف سازمان ملل متحد مطرح شده‌اند» (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۵۴۷)؛ به نظر می‌رسد در کنار سایر اهداف ملل متحد باید دیده شوند و از این جهت می‌توان گفت سلسله مراتبی میان اهداف ملل متحد وجود ندارد تا بتوان یکی را مقدمه اجرای دیگری قرار داد.

«اهداف سازمان ملل فلسفه وجودی ملل متحد هستند آن‌ها توانسته‌اند اعتبار و الزام حقوقی

بالایی را به دست آورند به طوری که اغلب آن‌ها امروزه در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عام هستند» (همان، ۵۱۳-۵۱۴). از این رو می‌توان گفت حق بر آموزش به عنوان یک حق بشری اگر چه در زمره قواعد آمره قرار ندارد اما به عنوان یک قاعده اساسی حقوق بشری که بهره‌مندی از آن مقدمه برخورداری از سایر حقوق بشر می‌باشد نمی‌تواند به واسطه اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ نادیده گرفته شود و اجرای آن تا زمانی که مقررات قطعنامه ۱۷۳۷ لازم‌الاجرا است به حالت تعلیق در آید.

تعلیق کلی معاهداتی که قواعد حقوق بشری را بیان می‌کنند امکان‌پذیر نیست زیرا «در جامعه بین‌المللی و در حوزه گسترده روابط قراردادی دولت‌ها، معاهداتی وجود دارند که نمی‌توان آن‌ها را به حالت تعلیق در آورد» (فلسفی، ۱۳۸۳: ۵۵۲)؛ زیرا «بر اساس نظر دیوان بین‌المللی دادگستری تعهد به تعلیق روابط قراردادی که ممکن است ناشی از یک قطعنامه شورای امنیت باشد، نمی‌تواند بر مقررات مربوط به حمایت از آحاد بشر که در معاهدات با خصلت‌های حقوق بشری و بشردوستانه گنجانده شده است، تأثیر گذارد زیرا، برخی از قواعد حقوق بشر مانند حق حیات امروزه از جایگاه قواعد آمره بین‌المللی برخوردارند و در هیچ شرایطی قابل تخطی و نقض نیستند. در نتیجه، در صورت تعارض بین مقررات تحریمی شورای امنیت و موازین بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، نمی‌توان جهت واداشتن دولت‌های عضو به رعایت تصمیم‌های شورای امنیت به ماده ۱۰۳ منشور استناد کرد. هر چند در عمل در قضیه عراق و تحریم‌های این کشور به صراحت این موارد نقض گردید و تحریم‌ها آثار بسیار مخربی بر افراد و غیرنظامیان عراقی داشت» (عناستانی، ۱۳۷۹: ۳).^۱

در نتیجه بند ۱۷ قطعنامه ۱۷۳۷ ناقض ماده ۱۳، ماده ۲ و بند ۲ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در تأیید این نظر می‌توان به رأی دیوان عالی هلند اشاره نمود. دیوان عالی هلند در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲ در خصوص عدم دسترسی اتباع ایرانی به آموزش‌های تخصصی اعلام نمود قانونی که هلند در پی اجرای قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت وضع نموده ناقض ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است. بر اساس این ماده «کلیه اشخاص در مقابل قانون مساوی هستند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و مساوی علیه هر نوع تبعیض را تضمین کند» (Senyonjo, 2009: 384) دیوان عالی هلند در این زمینه معتقد بود که دولت هلند می‌توانست بین تعهدات بین‌المللی خود هماهنگی ایجاد نماید.^۲

۱. برای دیدن آثار اعمال ماده ۱۰۳؛ ر. ک: (بیگزاده، ابراهیم، پیشین، ص ۳۲۴).

۲. ر. ک:

<http://wse-concerning-sanctions-on-iraww.sharesproject.nl/news/judgment-of-the-dutch-supreme-court-in-can/>

همچنین بخش مطبوعاتی سفارت جمهوری اسلامی ایران در لاهه در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۶ محدود نمودن حق آموزش به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر، را در تعارض آشکار با تعهدات بین‌المللی و در مغایرت با حقوق بین‌الملل می‌داند. «چنین رویه‌ای (محدودیت در زمینه تحصیل در برخی رشته‌ها) تاکنون دوبار از سوی محاکم هلندی مورد بررسی قضایی قرار گرفته و در تعارض با اصل عدم تبعیض و همچنین قانون اساسی هلند و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شناخته شده و دادگاه‌های رسیدگی‌کننده حکم به اصلاح دستورالعمل‌های اجرایی ناظر بر ایجاد محدودیت بر اساس تابعیت ایرانی را داده‌اند». همچنین، ر. ک:

http://www.iranianembassy.nl/5_dip_omom/bayaniyeh_payam/52537.html

نتیجه گیری

گستره تأثیر تحریم‌های اقتصادی آن چنان وسیع است که پیشگیری و جلوگیری از آثار آن بر افراد هدف تحریم، دشوار می‌نماید بنابراین، یا باید وضع تحریم‌های اقتصادی که یکی از ابزارهای قانونی مؤثر مقرر در منشور ملل متحد جهت حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است ممنوع گردد و یا آنکه تحریم‌ها وضع گردد اما، آثار آن بر حقوق بشر نادیده گرفته شود. به عبارت دیگر نقض حقوق بشر را برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی پذیرفت. وضع تحریم‌های اقتصادی جامع و یا بخشی، هر یک آثار خود را بر حق بر آموزش خواهند داشت. تحریم‌های جامع مانند آنچه در عراق اعمال گردید تحریمی است که حق بر آموزش را به طور غیرمستقیم نقض خواهد کرد و تحریم‌های بخشی از نوع آنچه که در قطعنامه ۱۷۳۷ بند ۱۷ علیه ایران وضع گردید به صورت مستقیم این حق را هدف قرار خواهد داد.

تحریم‌های اقتصادی می‌تواند زمینه افزایش بی‌سوادی، ترک تحصیل، تخریب و تضعیف ساختارها، زیر ساخت‌های و امکانات آموزشی مدرن مانند اینترنت و آموزش‌های مجازی و را فراهم نماید زیرا، حق بر آموزش علاوه بر وجوه اجتماعی و فرهنگی دارای وجهه اقتصادی نیز می‌باشد و در سطح کلان، با شرایط اقتصادی یک کشور و در سطح خرد، با اوضاع اقتصادی یک خانوار مرتبط است. این حق از جمله حقوقی است که با حقوقی از جمله حق بر غذا، حق بر آب، حق بر استفاده از پیشرفت‌های علمی، منع تبعیض، حق بر کار و حق بر سلامت در ارتباط مستقیم و نزدیک است. محدودیت‌های اقتصادی علیه یک کشور نه تنها هر یک از این حقوق را مستقلاً، بلکه حقوق مرتبط با آن‌ها را نیز تحت الشعاع قرار خواهد داد.

مسئله مهم مذکور در مقدمه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن است که با توجه به منشور ملل متحد، دولت‌ها متعهد به رعایت و احترام به حقوق و آزادی‌های انسان و ترویج آن‌ها در سراسر جهان می‌باشند. این نکته متضمن آن است که شورای امنیت به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد متعهد به رعایت این حقوق بر اساس منشور می‌باشد. به نظر می‌رسد شورای امنیت نمی‌تواند با تفکیک حقوق بشر به حقوق قابل انحراف و غیرقابل انحراف، تعهد و احترام به حقوق بشر را نادیده بگیرد. هر چند اگر این دیدگاه که شورای امنیت می‌تواند همان‌گونه که دولت‌ها می‌توانند حقوق قابل انحراف را تعلیق نمایند برخی از حقوق بشر را تعلیق نمایند، پذیرفته شود باز هم می‌توان گفت که شورا نمی‌تواند حق بر آموزش را به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر معلق و به عبارت دیگر نقض نماید. نکته دیگر آن است که کشورها نیز با استناد به قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت نمی‌توانند این حق را نادیده بگیرند زیرا عدم تبعیض در آموزش از حقوق عرفی است.

در نهایت «تحریم‌ها به اندازه حمله مستقیم نظامی خونبار نیستند اما به خاطر تأثیر جدی و عمیق آن‌ها بر کیفیت زندگی مردم مورد هدف، به ویژه افشار آسیب‌پذیر، نمی‌توان آن‌ها را به عنوان یک اقدام کاملاً غیر خشونت‌بار توصیف و طبقه‌بندی نمود». (Lopez, 1995: footnote of P80) بنابراین تحریم‌های اقتصادی می‌توانند آثار سوئی را در زندگی فردی و اجتماعی افراد بر جای گذارند حتی اگر چنین قصدی نیز در میان نباشد.

منابع

الف - فارسی

۱. اسدی، بهروز؛ تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه حقوق بشر، کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۸۹.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۳. اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان، ۱۹۴۸.
۴. بابایی علی، دانیالی مهدی؛ حق بر آموزش در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال نهم، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۲.
۵. بیگزاده، ابراهیم؛ حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، مجد ۱۳۸۹.
۶. پروتکل الحاقی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۸۸.
۷. سید فاطمی، سید محمد قاری؛ حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهایی از حق‌ها و آزادی‌ها، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۸. داشاب، مهریار؛ حق دسترسی بر آب از منظر حقوق بین‌الملل بشر، مجموعه مقالات هفته پژوهش در دانشکده حقوق و علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول،
۹. طباطبایی سید احمد؛ تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق و حقوق بشر دوستانه، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۹، شماره ۶.
۱۰. ظریف، محمد جواد؛ میرزایی، سعید؛ تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۶، شماره ۱.
۱۱. عنایستانی، ابوالحسن؛ تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت و حقوق بنیادین بشر، کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
۱۲. فرخ سیری، منصور؛ محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره سی و نهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
۱۳. فلسفی، هدایت‌اله، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳.
۱۴. منشور ملل متحد
۱۵. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶.
۱۶. میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶.
۱۷. منشور اجتماعی اروپا، ۱۹۹۶.
۱۸. منشور سازمان کشورهای آمریکایی، ۱۹۴۸.
۱۹. منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک.
۲۰. نژندی منش، هیبت‌اله، تحریم اقتصادی و حقوق بین‌الملل بشر، روزنامه اعتماد ملی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۵، شماره ۸۷.

ب - لاتین

21. Andréasson Gabriel; 2008, *Evaluating the Effects of economic sanctions against Burma*, National ekonomiska institutionen, Lund's university.
22. Akande, Dapo, Tim Muriithi, Tarcisio Gazzini, Nikolaos Tzagourias, and Enrico Milano; 2007, "Old questions and new challenges for the UN Security system: The role of the Security Council in the light of the charter's reform", *Journal of International Law & Policy*.

23. Al-Jawaheri, Yasmin Husein; 2009, **Book Review: Women In Iraq: The Gender Impact of International Sanctions**. Journal of International Women's Studies, 10(4) Reviewed by: Guthrie, Amber; Arrington, Christina; Mohammad, Kesser; and Rothblum, Esther .
24. Brown Lie, Ian; 1998, *Principles of Public International Law*, Fifth edition, Oxford University press.
25. Coomans,Fons; 1995, "**Clarifying the Core Elements of the Right to Education**", The Right to complain about Economic, Social and Cultural Right, SIM Special No. 18. 1995. Utrecht: The Netherlands Institute for Human Rights.
26. Carter, Barry E; 1988, *International Economic Sanction: Improving the Haphazard U. S. Legal Regime*, Cambridge University Press.
27. Corten, Olivier and Klein, Pierre; 2011, *The Vienna Convention on the Law of Treaties A Commentary*, Oxford University Press, First Published, Vol. I.
28. Davidsson, Elias; 2003, "**Legal Boundaries to UN Sanctions**", the International Journal of Human Rights, Vol. 7, No. 4.
29. _____ ; 2006, "**Towards a Definition of Economic Sanctions**", (revised version 2003), Available at: [Http://freepdfdb.com/pdf/towards-a-definition-of-economic-sanctions-10755473.html](http://freepdfdb.com/pdf/towards-a-definition-of-economic-sanctions-10755473.html)Dubreuil, Céline, The Right to Water: from concept to implementation . World Water Council.
30. De Wet, Erika; 2004, *The Chapter VII Powers Of The United Nations Security Council*, Oxford And Portland Oregon.
31. Dieter Beiter, Klaus; 2006, *The protection of the right to education by international law: including a systematic analysis of Article 13 of the International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights* Martinus Nijhoff.
32. Frederking, Brian; 2007, *The United States and the Security Council Collective security since the cold war*, Routledge, First published.
33. Galtung, Johan; 1967, "**On the Effect of International Economic Sanctions: With Examples from the Case of Rhodesia**", World Politics, Volume 19, Issue 3.
34. Hossain, Kamrul. **The Concept of Jus Cogens and the Obligation under the U. N. Charter**. Santa Clara Journal of International Law. Volume 3. 2005
35. Kalantry, Sital Joycelyn, Getgen E, and Arrigg Koh, Steven; 2010, "**Enhancing Enforcement of Economic**", Social and Cultural Rights using indicators: A focus on Right to Education in the ICESCR, Human Rights Quarterly, vol. 32.
36. Künnemann, Rolf & Epal-Ratjen, Sandra; 2005, "**The Right to Food: A Resource Manual for NGOs**", AAAS Science and Human Rights Program.
37. Lopez, George A and Cortright, David; 1995, "**The Sanctions Era: An Alternative to Military Intervention**", The Fletcher Forum, Summer/Fall.
38. Luck, Edward C; 2006, *UN Security Council Practice and promise*, Routledge, First published.
39. Malone David; 2006, *The International Struggle Over Iraq*, Oxford University press, First published.
40. Marks Stephen P; 1999, "**Economic Sanctions as Human Rights Violations: Reconciling Political and Public Health Imperatives**", American Journal of Public Health, October, Vol. 89, No. 1.
41. Marshall Jill; 2009, *Personal Freedom through Human Rights Law? Autonomy, Identity and Integrity under the European Convention on Human Rights*, Vol. 98. Leiden, Boston.
42. Rajendra prasad, Kundu; 2005, "**The Right to Education: Some Theatrical Issues**", Contemporary Issues and Social, Jawaharlal Nehru University, January.
43. Reisman, W. Michael and L. Sterick, Douglas; 1998, "**The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programs**", European Journal of International Law (EJIL), vol. 9.
44. Senyonjo, Manisuli; 2009, *Economic, Social and Cultural Rights in International Law*, Oxford And Portland, Oregon, Hart Publishing.
45. Simma, Brono; 1995, *Charter of The United Nations A Commentary*, Oxford University Press, First Published.
46. Simons, Geoff; 1999, *Imposing Economic Sanctions Legal Remedy or Genocidal Tools*, Pluto Press, First published.

47. Standard-Setting in UNESCO; 2007, Volume II. Conventions, **Recommendations, Declarations and Charters Adopted by UNESCO (1948–2006)**, UNESCO, Publishing Martinus Nijhoff Publishers. Leiden. Boston.
48. Verheyde, Mieke; 2005, **A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child**, (Article 28 the Right to Education Brill Academic Publishing; 1st Edition.

ج- گزارشات و اسناد

49. E/CN. 4/sub. 2/1999/10. Commission On Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, The Realization of the Right to Education, Including Education In Human Rights, The Content of the Right to Education, Working Paper Presented By Mr. Mustapha Mehedi.
50. E/CN. 4/Sub. 2/2000/33. Commission On Human Rights, Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights.
51. E/CN. 4/Sub. 2/1994/23. 3 June 1994. Chapter I: Question of Inalienable or Non-derogable Rights.
52. E/CN. 4/Sub. 2/1994/39. Commission On Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities
53. The Report of the Secretary General on the Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran (A/67/327).
54. The Secretary General's annual report on Human rights and unilateral coercive measures (A/67/181).
55. Secretary General's report on unilateral economic measures as a means of political and economic coercion against developing countries (A/66/138).
56. Grill, t, d: Legal and some political limitation on the power of the UN Security Council to Exercise its Enforcement powers under chapter Netherland Yearbook of International Law 1995.
57. Iraq, Education in Transition Needs and Challenges. United Nations Educational Scientific and Cultural Organization, 2004.
58. The Human Rights Impact of Economic Sanction on Iraq . Background Paper by the Office of the High Commissioner for Human Rights for the Meeting of The Executive Committee on Human Affairs 5 September 2000.
59. S/AC. 50/2007/2. 5 March 2007.
60. S/AC. 50/2007/20. 27 February 2007.
61. S/AC. 50/2007/24. 5 March 2007. "
62. S/AC. 50/2007/16. 2 March 2007.
63. S/AC. 50/2007/13. 2 March 2007 and for see other reports: <http://www.un.org/sc/committees/1737/memberstatesreports.shtml>
64. The Policies of Apartheid If the Government of the Republic of South Africa UN GAR Sn 20; A/RES/1761 (XVII) (6 November 1962).
65. SC Res, 661(1990).
66. Resolution adopted by the Human Rights Council. Human rights and unilateral coercive measures. 6 October 2010. A/HRC/RES/15/24.
67. Resolution adopted by the Human Rights Council. Human rights and unilateral coercive measures. A/HRC/RES/12/22. 12 October 2009.
68. Resolution adopted by the General Assembly. Human rights and unilateral coercive measures. A/RES/64/170. 24 March 2010.
69. A/RES/51/22(1996)
70. A/RES/46/210. Economic measures as a means of political and economic coercion against developing countries. 20 December 1991.
71. S/RES/1929. Adopted by the Security Council at its 6335th meeting, on 9 June 2010.
72. S/RES/1835. Adopted by the Security Council at its 5984th meeting, on 27 September 2008.
73. S/RES/1803. Adopted by the Security Council at its 5848th meeting, on 3 March 2008.
74. S/RES/1747. Adopted by the Security Council at its 5647th meeting on 24 March 2007.
75. S/RES/1737. Adopted by the Security Council at its 5612th meeting, on 23 December 2006.

76. S/RES/1696. Adopted by the Security Council at its 5500th meeting, on 31 July 2006.
77. Convention against discrimination in education, Paris, 14 December 1960.
78. Declaration of Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations. Adopted by General Assembly resolution 2625 (XXV) of 24 October 1970.
79. Recommendation concerning education for international understanding, co-operation and peace and education relating to human rights and fundamental freedoms adopted by the General Conference at its eighteenth session Paris, UNESCO, 19 November 1974.
80. World Conference on Human Rights Vienna, 14-25 June 1993. A/CONF. 157/23
81. Charter of Economic Rights and Duties of States. GA Res. 3281(xxix), UN GAOR, 29 the Sess. Supp. No. 31 (1974).

د - نظرات عمومی

82. General Comment No. 8. E/C. 12/1997/8 12 December 1997. The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights.
83. General Comment No. 11. E/C. 12/1999/4 (1999). Plans of action for primary education
84. General Comment No. 13. E/C. 12/1999/10. The Right to Education (Article 13 of the Covenant). Twenty-First Sessions, 1999.
85. General Comment No. 15 (2002), the right to water (arts. 11 and 12 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights). E/C. 12/2002/11.

ه - سایت

86. <http://wse-concerning-sanctions-on-iraww.sharesproject.nl/news/judgment-of-the-dutch-supreme-court-in-can>
87. http://www.iranianembassy.nl/5_dip_omom/bayaniyeh_payam/52537.html
88. <http://fararu.com/fa/news/138458>